

## An Analysis of the Impossibility of Substituting Harm, Pain and Suffering for the Word Disease; An Interpretative Approach

Zohra Narimani \*

Assistant Professor, University of Sciences and Knowledge of the Holy Quran, Tehran,iran

Mehdi Abdollahipour 

Assistant Professor, University of Holy Qur'an Sciences and Education, Tehran, Iran

Mahbube Moosaipour 

Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Payam Noor University, Tehran, Iran

### Abstract


Every word in the Qur'an has its own special meaning, and no other word can ever be considered its substitute. Therefore, examining seemingly synonymous words is effective in interpreting and understanding the Quranic verses. Analyzing the meaning of the words "disease," "harm", "pain", and "suffering," using a method of lexical analysis and an interpretative approach, shows that the mentioned words are expressed in order to explain a specific concept according to their special significance. Any change and replacement will cause a disturbance in the meaning. The conceptual examination of these words shows that "disease" in the usual meaning of physical illness, "harm" in the meaning of severe financial poverty and death of children, "pain" in the meaning of anxiety and mental turmoil resulting from change and transformation, and "suffering" in the meaning of being indecisive and doubtful. Therefore, in addition to removing doubts about divine prophets, another dimension of the scientific miracle of the Qur'an (and also the honoring of women in the Qur'an) is revealed.


**Keywords:** Disease, Harm, Pain, Suffering, Non-Synonymy in the Quran.


\* Corresponding Author: narimani@guran.ac.ir

**How to Cite:** Narimani, Z., Abdollahipour, M., Moosaipour, M.(2022). An Analysis of the Impossibility of Substituting Harm, Pain and Suffering for the Word Disease; An Interpretative Approach, *A Research Journal on Qur'anic Knowledge*, 13(50), 201-228.

## تحلیل و ارزیابی کاربست واژگان مرض. اذی ضر و سقم در قرآن با تکیه بر تفسیر قرآن به قرآن

زهرة نریمانی \*  استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، تهران، ایران

مهدی عبداللهی پور  استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، تهران، ایران

محبوبه موسائی پور  استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

### چکیده

هر واژه در قرآن از جایگاه معنایی ویژه خود برخوردار است، که واژه دیگر هرگز نمی‌تواند جانشین آن و یا هم‌معنای آن به‌شمار رود. از این‌رو، بررسی واژه‌های به‌ظاهر هم‌معنا در تفسیر و فهم آیات تأثیرگذار است. بررسی معنایی واژگان «مرض»، «ضُرٌّ»، «أذی» و «سَقَم» با بهره‌گیری از روش تحلیل واژگانی و رویکرد تفسیری، بیانگر آن است که واژگان مذکور با توجه به معانی خاص خود، جهت تبیین مفهومی خاص بیان شده و هرگونه تغییر و جایگزینی، موجب خلل در معنا خواهد بود. بکارگیری همه این واژگان در معنای مرض سبب رهیافت شبهات در برخی از آیات مربوط به زنان و انبیای الهی (ابراهیم و یونس) شده‌است. این مقاله با بررسی این واژگان از بستر تمرکز بر کتب لغت، قرآن و تفاسیر به تبیین تفاوت‌های این واژگان پرداخته و عدم ترادف و جانشینی آنها را اثبات نموده‌است. بررسی مفهومی این واژگان نشان می‌دهد: «مرض» در همان معنای معهود بیماری جسمی؛ «ضُرٌّ» در معنای فقر شدید مالی و مرگ فرزندان؛ «أذی» در معنای تشویش و تلاطم روحی حاصل از تغییر و دگرگونی، «سَقَم» هم به معنای متردد و شک‌دار است. براین اساس افزون بر رفع شبهاتی پیرامون انبیای الهی، بُعدی از اعجاز علمی قرآن و تکریم زنان در قرآن هویدا می‌شود.

کلیدواژه‌ها: مرض، ضُرٌّ، أذی، سَقَم، عدم ترادف در قرآن.

\* نویسنده مسئول: narimani@guran.ac.ir

## ۱. مقدمه و بیان مسأله

یکی از مسایل مهم در قرآن، وجود واژگانی است که در نگاه اول از سوی مفسران، مترادف گرفته می‌شوند. اما پس از درنگ و کاوش در آیات، حوزه معنایی‌شان و کاربرست و سیاق قرآن در بکارگیری این واژگان، آشکار می‌شود که میان این واژگان، معنای مشترکی نبوده، بلکه تفاوت معنایی معناداری دارند؛ به گونه‌ای که، هر معنا بازخورد و نتیجه تفسیری و گاه فقهی قابل توجهی در حوزه شخصی و انحصاری خویش دارد. مجموعه واژگان در حوزه بیماری و آسیب نیز در این شمار هستند. قرآن کریم برای آسیب‌های جسمی و روانی از واژگان «أذی، ضُرُّ، مرض، سَقَم» استفاده نموده است. برخی مفسران، پیوسته آن‌ها را با تعبیر یکسان «بیماری» از نظر گذرانده و به تفاوت مفهومی این واژگان چندان توجهی نداشته‌اند. به کارگیری هدف‌مند واژگان و معنای برآمده از آنها، گویای تناسب بی‌نظیر لفظ و معنا در ادبیات قرآن است، که کارکرد معنایی خاص واژگان را در تبیین پیام مورد نظر خداوند آشکار می‌سازد. بنابراین، واژگانی همچون «أذی»، «ضُرُّ»، «مَرَض» و «سَقَم» که امروزه گاه در شرایطی خاص به عنوان الفاظ مترادف و هم‌معنا به کار گرفته می‌شوند، هر کدام بیانگر مفهومی است که واژه دیگر نمی‌تواند آن را ادا نماید. فهم این تفاوت‌ها با درنگ در معنای واژگان، به‌خوبی میسر است. براین اساس، در پژوهش حاضر، نحوه استعمال واژگان «أذی، ضُرُّ، مَرَض و سَقَم» و تقابل معنایی هر کدام، مورد بررسی قرار گرفته تا نشان دهد هیچ واژه‌ای در قرآن، بی‌هدف و تصادفی انتخاب نشده، بلکه موقعیت‌های مختلف و مؤلفه‌های معنایی خاص هر واژه، در انتخاب واژگان، دخیل بوده است.

### ۱-۱. پیشینه پژوهش

درباره معناشناسی و تفسیر تحلیلی این واژگان، پژوهشی مستقل و درخور که بیانگر تفاوت‌های آشکار و پنهان این کلمات باشد یافته نشد. اما به‌طور مستقل مقاله‌ای در نشریه علمی تخصصی حسنی، با عنوان معناشناسی واژه «مرض» در قرآن با تکیه بر روابط هم‌نشینی در شماره ۳۴ چاپ شده که نویسندگان گرامی مقاله صرفاً به واژه مرض و هم‌نشینی آن با

قلب توجه داشته‌اند و بیان کرده‌اند مرض قلب، جانشین نفاق نبوده بلکه در مقابل قلب سلیم است (ریاحی مهر، ۱۳۹۷: ش ۳۴). در این صورت، قلب مریض به معنای اعتقاد سست و ضعیف است. از دیگر کارهای انجام شده، مقاله معنائشناسی "ضُرُّ" در قرآن کریم با تأکید بر روابط همنشینی و جانشینی اثر عاطفه زرساران، زینب قوام و شادی نفیسی است، که در نشریه پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن شماره ۱۹ چاپ شده است؛ مقاله‌ای که ضمن دستیابی به نتایج شایان، به تعیین محورهمنشینی این واژه در ساختار فعلی، اسمی و محور جانشینی آن پرداخته و معنای آن را ضرری دانسته که سبب تضرع خالصانه به سوی خدا می‌شود؛ لذا لزوماً در بردارنده معنای منفی نیست (ر.ک؛ زرسازان، ۱۴۰۰: ش ۱۹). این مقاله از جهات گونه‌گون با نگاشته حاضر متفاوت است؛ یکی آنکه با دیگر واژگان مبین در حوزه معنایی رنج و بیماری، مقایسه نشده و تفاوت معنایی آنها با یکدیگر بررسی نشده است. دوم آنکه محور مقاله یادشده بر روابط همنشینی و جانشینی در حوزه معنائشناسی و هم‌زمانی است؛ در حالی که، در نگاشته حاضر، محوریت با بررسی کتاب‌های لغت و معنای اصیل لغوی و توجه به آیات و سیاق است؛ بدین قرار، این نوشتار، با این رویکرد و ساختار، کاملاً بدیع بوده و از دستاوردهای نوینی برخوردار است.

## ۲. کارکرد مفهومی واژگان در بافت زبانی قرآن

واژگان در قرآن، بسیار باریک‌بینانه گزینش شده‌اند؛ به گونه‌ای که هرگاه در ژرفای معنایی و دلالت‌ها درنگ شود، این حقیقت، خودنمایی می‌کند، که هیچ هم‌پوشانی تامی میان آنها وجود نداشته و در رساندن دلالت‌های خاص و مورد نظر، منحصر به فرد، یگانه، و غیر قابل جایگزین هستند؛ از این رو، الفاظی که به ظاهر دارای مدلول مشترک و معنای متشابه هستند، در حقیقت کاربرد و استعمال هر واژه در بافت زبانی قرآن، به دلیل تفاوت‌های معنایی، متمایز از دیگر واژگان است؛ که این موضوع، محور اصلی بررسی و تحلیل واژگان «أذی، مَرَض، سَقَم، ضُرُّ» در پژوهش حاضر قرار گرفته است.

واژه «أذی» در قرآن در ۷ آیه و در سه سوره؛ «مَرَض» ۲۴ بار در ۱۳ سوره و ۲۳ آیه؛ سَقَم در ۲ آیه و در یک سوره؛ «ضُرُّ» در صیغه‌های گوناگون ۷۴ بار در ۳۱ سوره و ۷۰ آیه

تحلیل و ارزیابی کاربرست واژگان مرض. اذی ضررو سقم در...؛ نریمانی و همکاران | ۲۰۵

به کار گرفته شده، که در این نگاشته، صیغه مستعمل در معنای بیماری یعنی «ضُر» مورد عنایت بوده و در ۱۴ آیه به کار رفته است. مفسران، تمام این موارد را در معنای بیماری و مریضی گرفته‌اند؛ درحالی که، درنگ در آیات مورد نظر و محتوای آنها ما را به حقایقی درباره تفاوت‌های معنایی آنها رهنمون می‌سازد.

آشنایی با حوزه‌های معنایی هر کدام از این واژگان و عدم خلط مفاهیم به دلیل هم-سانی، ایجاب می‌نماید تا هر کدام از این واژگان و موضوعات هم‌نشین و سیاق آنها، مورد بررسی قرار گیرد تا پیام قویم قرآن، اندکی بیشتر، روشن‌گری نماید. دیگر آنکه ذکر واژه سقیم برای دوتن از انبیای بزرگ الهی یعنی حضرت ابراهیم و یونس علیهم‌السلام و تفسیر این واژه به بیماری؛ شبهه دروغ گفتن حضرت ابراهیم علیه‌السلام مطرح شده است (ر.ک؛ طبری، ۱۴۱۲: ج ۲۳ ص ۴۵). بیمار بودن حضرت یونس علیه‌السلام نیز این شائبه را ایجاد می‌نماید، که ممکن است تمام آن اذکار والا و بی‌بدیل که در قرآن بدان اشاره شده از عوارض و نتایج بیماری باشد؛ بدین معنا که نعوذ بالله دچار هذیان گوئی گشته‌اند.

افزون بر آن، استفاده از واژه ضُر برای ایوب نبی علیه‌السلام سبب شده تا برخی با استناد به روایات اسرائیلی به ایشان نسبت بیماری‌های مسری و ناخوشایند وارد نمایند، که همین سبب دوری و انزجار مردم از ایشان شده باشد (ر.ک؛ طوسی، ۱۳۶۵: ج ۷ ص ۲۷۱؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۷: ۴۴). اگر حضرت ایشان به چنین بیماری‌ای مبتلا شده باشد، سرزنش مردم به دلیل دوری از ایشان شاید چندان روا نباشد؛ چه اینکه، تلاش انسان برای حفظ سلامتی و جان از رفتارهای طبیعی و بدیهی انسان است. به کارگیری واژه «أذی» برای حیض و تعبیر از آن به بیماری نیز با حقیقت موضوع مخالف دارد؛ زیرا اساس حیض و تکرار منظم آن در هر ماه نشان از سلامتی کامل زن دارد؛ از این رو، برای کشف معنای واقعی این آیات و همه آیات گفته شده، تحلیل لغوی این واژگان امری لازم است.

### ۳. تحلیل معنای لغوی «أذی، مَرَض، ضُر و سَقَم»

ارباب لغت، در تحلیل معنایی این چهار واژه به ظاهر قریب‌المعنی، با اندک اختلاف، نظریاتی نزدیک و مشابه دارند. برخی «أذی» را به گونه عام و فراگیر معنا نموده‌اند؛ بدین معنا

که هر چه سبب آزار انسان شود، اذی نامیده شود (ر.ک؛ فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۸: ۲۰۶؛ ابن-منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۴: ۲۷؛ جوهری، ۱۹۸۴، ج ۱۹: ۱۴۹؛ مصطفوی، ۱۴۱۶، ج ۱: ۶۵). دامنه گسترده این معنا باعث می‌شود تمام سخنان آزار دهنده، حوادث، بلایا، شکست‌ها و بیماری‌ها و... در شمار اذی درآید. این تعریف برای این واژه در قرآن، اندکی جای تأمل دارد؛ چه اینکه، بنابر آنچه گفته آمد، خداوند در اندک مواردی، این واژه را به کار برده است. ابن‌درید، ابن‌منظور و جوهری ذیل واژه اذی معنای موج دریا را نیز برای آن در نظر گرفته‌اند (ر.ک؛ ابن‌درید، ۱۴۰۷، ج ۱: ۲۳۴؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۴: ۲۷؛ جوهری، ۱۹۸۴، ج ۶: ۲۲۶). لغت‌شناسان، افزون بر موج دریا برای واژه اذی، به حالت شتر ماده (ناقة) و بعیر (مصطلح در نر و ماده) آن هنگام که در مکان خاصی آرامش نداشته باشد اشاره نموده‌اند. به علاوه، تأکید نموده‌اند این بی‌قراری به سبب درد نبوده بلکه خلقت او بدین گونه است (ر.ک؛ ازهری، ۱۴۲۱، ج ۱۵: ۳۹؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۴: ۲۷؛ ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ج ۱: ۷۸؛ جوهری، ۱۹۸۴، ج ۶: ۲۲۶). طریحی در شرح این واژه ذیل آیه ۲۲۲ بقره، ضمن اعلام حیض، به عنوان امری آلوده و پلید، تصریح می‌نماید که هر کس بدان نزدیک شود، از آن متنفر خواهد شد؛ لذا معنای تنفرانگیز را برای آن انتخاب کرده است (ر.ک؛ طریحی، ۱۳۷۶: ج ۱، ۲۵).

در تحلیل واژه سقم که در قرآن فقط دو بار آن هم به صورت صفت مشبیه و بر وزن فعیل در معنای مفعولی آمده، لغویان برآیند، که سقام نام بیابانی است (ر.ک؛ ابن‌درید، ۱۴۰۷، ج ۲: ۸۵۱؛ ازهری، ۱۴۲۱، ج ۸: ۳۲۲؛ جوهری، ۱۹۸۴، ج ۵: ۱۹۴۹)؛ همچنین، سوقم را درختی شبیه انجیر معرفی نموده‌اند، که میوه‌ای مانند آن دارد؛ اما کاملاً با انجیر متضاد بوده و مانند سنگ سفت و محکم است (ر.ک؛ ابن‌درید، ۱۴۰۷، ج ۲: ۸۵۱؛ ازهری، ۱۴۲۱، ج ۸: ۳۲۲). برخی نیز بدون هیچ توضیحی آن را مترادف مریض دانسته‌اند (ر.ک؛ ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ج ۳: ۸۴) با توجه به سیاق آیات و کاربری متفاوت قرآن از این دو واژه و با عنایت به اصل عدم ترادف واژگان قرآنی، نمی‌توان به طور جزم، حکم به صحت این نظر داد. راغب بر آن است که سقم، گاه برای مکان هم استفاده می‌شود؛ البته مکانی که احتمال

خوف و ترس در آنجا وجود دارد (ر.ک؛ راغب اصفهانی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۴۱۶).

شاید به همین دلیل نام بیابانی مخوف را سقام نهاده‌اند؛ زیرا بیابان در بستر و ذات خود وحشت و ترس را همراه دارد. بیابان با خوف و ترس از همنشینی معنوی و مراعات النظیری پنهان برخوردار است. اینکه در اصل، سقم نام بیابان و مکانی با شرایط خاص است، می‌تواند مورد توجه و دقت باشد. نکته مهم آنکه لغت‌شناسان متقدم، در معنای سقیم آورده‌اند که سقیم فردی است، که هرروز از درد چیزی شکوه و گلایه می‌کند و درواقع احساس نارضایتی و ناآرامی در او وجود دارد (ر.ک؛ اندلسی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۴۸۰).

ارباب لغت، در تحلیل معنای واژه «ضُرٌّ»، بین «الضَّرُّ» به گونه مضموم و «الضَّرُّ» به گونه مفتوح تفاوت قائل شده و «الضَّرُّ» را مصدر، و «الضَّرُّ» را اسم دانسته‌اند (ر.ک؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۴: ۴۸۲). در این صورت، «الضَّرُّ» مخالف نفع دانسته و هر نقصانی را که در چیزی وارد شود، ضرر می‌گویند مثلاً «دخل عليه ضرر في ماله» (عسگری، بی تا: ۱۹۲؛ فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۸: ۲۸۴) نیز «الضَّرُّ» را هر آنچه از بدحالی و فقر و آسیب به بدن برسد، دانسته‌اند (ر.ک؛ فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۸: ۲۸۴؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳، ۸۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۴، ۴۸۲؛ جوهری، ۱۹۸۴، ج ۲، ۷۱۹؛ زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۲، ۷۲۰) لغت‌شناسان نخستین، برای ضُرُّ به گونه مضموم معنای هزال، یعنی فقر و بدحالی‌ای که بر بدن ظاهر و آشکار می‌شود نیز ذکر کرده‌اند (ر.ک؛ ابن درید، ۱۴۰۷، ج ۱ ص ۱۲۲؛ ازهری، ۱۴۲۱، ج ۱۱، ۳۱). برخی صاحب‌نظران، برای ضُرُّ معنای مرض را نیز ذکر کرده‌اند (ر.ک؛ ابن درید، ۱۴۰۷، ج ۱، ۱۲۲؛ زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۲، ۷۲) شاید این معنا در ادبیات عمومی و کنونی استفاده شود، اما در قرآن با توجه به استفاده‌های گوناگون از دو واژه مرض و ضُرُّ که در ادامه بررسی خواهد شد، نمی‌توان به سهولت حکم به مترادف آنها را پذیرفت.

اما در تحلیل معنای لغوی مرض که ارباب لغت، این چهار واژه قرآنی را در همین یک‌معنا ترجمه و تحلیل می‌نمایند، نکات شایان توجهی وجود دارد. برخی، مَرَض را ضد صحت و سلامتی (ابن درید، ۱۴۰۷، ج ۲ ص ۷۵۲) دانسته‌اند. اما پاره‌ای دیگر، ضمن مترادف مَرَض با سقم، آنرا نقیض صحت گرفته‌اند (ر.ک؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۷، ۲۳۱؛

طریحی، ۱۳۷۶: ج ۴، ۲۳۰). دسته‌ای نیز، دامنه مَرَض را از عارضه جسمانی فراتر دانسته و هر آنچه که انسان را از دایره صحت خارج سازد، مَرَض معرفی نموده‌اند؛ گفتنی است، آنان علت این خروج را نیز بیماری و نفاق و هر کوتاهی معرفی کرده‌اند (ر.ک؛ اندلسی، ۱۴۱۰: ج ۱، ۴۸۰). از دیگر نکاتی که اهل لغت برای مَرَض یادآور شده‌اند، اینکه ریشه آن را ضعف و ناتوانی (ر.ک؛ ابن‌درید، ۱۴۰۷: ج ۲، ۷۵۲) و نقصان (ر.ک؛ ازهری، ۱۴۲۱: ج ۱۲، ۲۶) اعلام کرده‌اند. این سخن، بدان معناست که مَرَض عارضه‌ای آشکار بر بدن است و علت آن ضعف و نقصان درونی بوده که خود را با علائمی آشکار می‌نماید.

از آنچه در بررسی لغوی این چهار واژه به‌ظاهر مترادف به‌دست آمد، آن که، لغت‌شناسان، گاه در تعریف این واژگان دچار دور شده و نتوانسته‌اند به تفاوت‌های ظریف این واژگان در به‌کارگیری آنها به‌ویژه در قرآن اشاره کنند. برای مثال ابن‌منظور و طریحی در ترجمه مریض، سقیم را ذکر نموده و در تعریف سقیم نیز، آن را با مریض یکی تلقی کرده‌اند. گاه برخی، ضَرُّ را نیز مَرَض به‌حساب آورده‌اند. در تعریف اُذی، آن را به نحو شامل و فراگیر هرچه موجب آزار شود، ترجمه نموده‌اند؛ که بیماری و فقر و حوادث و بلاها و... نیز از مصادیق آن به‌شمار می‌آید؛ درحالی‌که، هنگام مراجعه به آیات قرآن و درنگ در چگونگی کاربست این واژگان مشخص می‌شود، میان این واژگان تفاوت‌های مهم و اساسی وجود دارد؛ به‌گونه‌ای که استفاده از ترجمه غیر دقیق در روند معنا و مراد حقیقی خدای تعالی خلل وارد نموده و حتی گاه زمینه تقویت شبهات اسرائیلی را فراهم می‌سازد.

#### ۴. کاربرد واژگانی (مَرَض) در قرآن

واژه مَرَضی و مریض بدون همراهی و همنشینی قلوب، ۱۱ بار در قرآن آمده‌است. از این موارد ۹ مورد ناظر به مباحث فقهی و تکلیفی و دو مورد باقی‌مانده صراحت در بیماری جسمی داشته زیرا در مقابل آن، شفا مطرح گردیده‌است (شعراء: ۸۰). مفسران در ترجمه و تفسیر این واژه در آیات مربوط، اختلاف نظر خاصی نداشته و همگی این واژه را در همان معنای بیماری جسمی تفسیر و ترجمه نموده‌اند (ر.ک؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۲: ۷۷؛ ج ۵: ۶۴؛



تحلیل و ارزیابی کاربرست وازگان مرض. اذی ضررو سقم در...؛ نریمانی و همکاران | ۲۰۹

ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۲: ۱۶۰؛ ج ۴: ۱۳۷؛ سید قطب، ۱۴۱۲، ج ۲: ۶۶۸؛ ج ۳: ۱۶۸۵؛ سید مرتضی، ۱۴۳۱، ج ۱: ۴۸۸؛ طباطبائی، ۱۳۷۴: ۹، ج ۳۶۲؛ ج ۵: ۲۲۶؛ صادقی، ۱۴۰۶: ج ۸: ۱۶۶؛ ج ۲۹: ۲۲۷).

همراه شدن مریض در برخی آیات با پاره‌ای عوارض و بیماری‌های جسمی چون نابینا و فلج یا شل (نور: ۶۱) و نیز همراهی با ضعف (توبه: ۹۱) خبر از چیره شدن ضعف و نبود صحت و سلامتی کامل در شخص به واسطه مَرَض دارد؛ از این رو، به سبب ضعف و ناتوانی مستولی بر مریض، تکالیف سختی چون جهاد، روزه، وضو یا غسل و حتی برخی آداب حج از او ساقط شده و بدین قرار، خداوند تصریح می‌فرماید که بر مریض به دلیل ناتوانیش حرجی نیست. از دیگر قرائنی که از جسمانی بودن رَض و در برداشتن معنای بیماری جسمی در واژه مریض حکایت دارد، همراهی آن با ترکیب «علی سفر» است. این همنشینی خبر از مشقت و رنج جانکاه رَض و سفر داشته؛ به گونه‌ای که شخص به سبب سفر سخت حتی در امر نماز به سهولت و قصر در آن (نساء: ۱۰۱) و یا تیمم جایگزین وضو امر شده (نساء: ۴۳) و روزه نیز از او ساقط می‌شود (بقره: ۱۸۴). به کارگیری واژه مَرَض با همنشینی قلب، حکایت از ضعف و نقصان ایمان است، که در نهایت به نفاق منجر می‌شود. همان گونه که لغت‌شناسان گفته‌اند، رَض در نبود صحت و سلامتی است، که سبب ناتوانی و از کار افتادن جسم انسان شده و هرگاه به تنهایی و بدون همنشین شدن با قلب به کار رود، ناظر بر حوزه جسمانی بوده و وظایف و تکالیف ویژه خود را می‌طلبد (ر.ک؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۷: ۲۳۱؛ طریحی، ۱۳۷۶: ج ۴: ۲۳۰). رَض در قلب به معنای قَلت ایمان و نفاق نیز بی‌ارتباط به معنای لغوی آن نبوده و در حقیقت ناظر بر عدم صحت ایمان و از کار افتادن قلب سلیم است (ر.ک؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۷: ۲۳۱؛ طریحی، ۱۳۷۶، ج ۴: ۲۳۰).

### آیات متضمن واژه مَرَض

- ۱... أَيَّاماً مَعْدُودَاتٍ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضاً أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ... (بقره: ۱۸۴)
- ۲... فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَ مَنْ كَانَ مَرِيضاً أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ... (بقره: ۱۸۵)

۳. ... لَا تَحْلِقُوا رُؤُسَكُمْ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ. (بقره: ۱۹۶)

۴. ... وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُورًا غَفُورًا. (نساء: ۴۳)

۵. ... وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ كَانَ بِكُمْ أَذًى مِنْ مَطَرٍ أَوْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَنْ تَضَعُوا أَسْلِحَتَكُمْ ... (نساء: ۱۰۲)

۶. .... وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا... (مائده: ۶)

۷. لَيْسَ عَلَى الضُّعْفَاءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضَىٰ وَلَا عَلَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يُنْفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (توبه: ۹۱)

۸. لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَىٰ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرَجٌ ... (نور: ۶۱)

۹. وَإِذَا مَرَضْتَ فَهُوَ يَشْفِين (شعراء: ۸۰)

۱۰. لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَىٰ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرَجٌ. (فتح: ۱۷)

۱۱. ... عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضَىٰ وَآخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَآخَرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ... (مزل: ۲۰)

## ۵. کاربرد واژگانی (ضُرُّ) در قرآن

واژه ضُرُّ ۱۷ بار در ۱۴ آیه تکرار شده است. مفسران بیشتر آن را در معنای بیماری گرفته و با تعابیر نزدیک به آن، آیات را تفسیر نموده اند. سیدقطب و ابن عاشور در ذیل آیه ۸۴ انبیاء و داستان حضرت ایوب علیه السلام بر آنند که ضر در معنای بیماری، مریضی و کشف آن از ایوب به معنای بازگشت سلامتی و عافیت به ایشان است (ر.ک؛ سیدقطب، ۱۴۱۲، ج ۴: ۲۳۹۲؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۱۷: ۹۳). مغنیه در این باره از تعبیر «او را به بهترین حالت برگرداند» استفاده نموده (ر.ک؛ مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۵: ۲۹۵) فضل الله و آلوسی ضُر را مرضی فراگیر دانسته (ر.ک؛ فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۱۵: ۲۵۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۹: ۷۶) علامه، ضر را آسیب-

تحلیل و ارزیابی کاربرست واژگان مرض. اذی ضررو سقم در...؛ نریمانی و همکاران | ۲۱۱

های وارده به نفس و جسم انسان دانسته (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۰: ۲۲) و درباره حضرت ایوب، (ضُرُّ) را در معنای بیماری و مانند آن گرفته است (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۳۱۴). گاه نیز مَرَض را با شدت و سختی دیگر همراه نموده اند (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۷: ۲۷۳). صادقی تأکید می کند، ضُرُّ آسیب به روح نیست؛ زیرا شیطان به ارواح مؤمنان راهی ندارد و حضرت ایوب در جای دیگر این ضُرُّ را به شیطان نسبت داده (أَنَّ مَسْنِيَ الشَّيْطَانِ بُنْصَبَ وَ عَذَابٍ) (ص: ۴۱) (ر.ک؛ صادقی، ۱۴۰۶: ج ۱۹، ۳۴۵). ایشان ضُرُّ را ضرر نفسی یا مالی و مشابه آن دانسته اند. (صادقی، ۱۴۰۶، ج ۱۴: ۳۱).

مفسران در شرح معنای ضُرُّ برای آیه ۸۸ سوره یوسف، معانی دیگر افاده کرده اند. برخی آن را تنگدستی و بدحالی (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۱: ۲۳۵) برخی قحطی، ناراحتی و بلا (ر.ک؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۰: ۵۹) برخی نیز گرسنگی، لاغری و ضعف (ر.ک؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۷: ۴۴) دانسته اند. پیداست مفسران نتوانسته اند معنای واحدی غیر از مَرَض و موجبات برای واژه ضُرُّ در یک آیه واحد و یا در تمام آیات، آنگونه که گویا و مفسر تمام آیات باشد، ارایه دهند. از این رو، با محوریت معنای بیماری و مَرَض از واژگانی گونه گون بهره برده و از ضُرُّ با آسیب جسمی و مریضی و یا فقر و گرسنگی و لاغری که خود موجب مریضی است، استفاده نموده اند. درحالی که، گفته شد ضُرُّ نمی تواند در معنای مَرَض و جوع و هزال باشد؛ زیرا اگر هر کدام از این معانی بود خداوند از همان واژه ها استفاده می کرد و باز اینجا باید اصل عدم ترادف معنا را در قرآن یاد آور شد.

#### ۵-۱. تحلیل آیات متضمن واژه (ضُرُّ) در معنایی جدید

با دقت در آیات متضمن واژه ضُرُّ، نکات ظریفی استنباط می شود. ضرر توسط خود خداوند ایجاد می گردد (انعام: ۱۷؛ یس: ۲۳؛ زمر: ۳۸) و فقط توسط خداوند کشف می شود (اسراء: ۵۶). در این آیات برای رفع ضُرُّ در هنگام استجاب، از کشف استفاده می شود (انعام: ۱۷؛ نحل: ۵۴؛ اسراء: ۵۶؛ انبیاء: ۸۴؛ مومنون: ۷۵؛ زمر: ۳۸). که در هر دو صورت مانعی برای اراده خداوند وجود ندارد (انعام: ۱۷؛ یس: ۲۳). ادامه ضُرُّ و ماندن در آن می تواند انسان را به

طغیانی کور بکشاند(مومنون: ۷۵)؛ بدین قرار، ضُرّ در مقابل نعمت(نحل: ۵۳؛ زمر: ۴۹/۸) و رحمت(انبیاء: ۸۴/۸۳؛ مومنون: ۷۵؛ روم: ۳۳؛ یس: ۲۳؛ زمر: ۳۸) آمده و کشف آن با برگرداندن رحمت و نعمت مطرح شده است. ضُرّ به گونه‌ای است که انبیاء برای کشف آن در هنگام دعا، خداوند را با صفت متناسب با آن یعنی ارحم الراحمین توصیف نموده- اند(انبیاء: ۸۳).

خداوند نیز خود در هنگام کشف آن از وصف الرحمن برای خود بهره می‌گیرد(یس: ۲۳). این بدان معناست که ضُرّ حالتی رقت‌انگیز است. ضُرّ فقط برای انسان است و دیگر موجودات چون حیوانات را شامل نمی‌شود(ر.ک؛ یونس: ۱۲؛ روم: ۳۳؛ زمر: ۴۹/۸). ضُرّ یک حس و احساس و توهم نبوده، بلکه امری است عارضی و چنان بر انسان تأثیرگذار است که گویی انسان آن را با دست خود لمس می‌کند. ضُرّ به گونه‌ای است، که انسان برای کشف آن، خداوند را در همه حال می‌خواند و از درد آن آسایش ندارد(یونس: ۱۲). ضُرّ می‌تواند فرد را با اهلش گرفتار کند؛ از این رو، دوبار با اهل همنشین شده است(یوسف: ۸۸؛ انبیاء: ۸۴). ضُرّ همان حالتی است که انسان در دریا نیز مبتلا گشته و در همان حال خدا را می‌خواند و نجات و کشف از آن، رسیدن به خشکی معرفی شده است(اسراء: ۶۷). حال باتوجه به آنچه آمد، برخلاف نظر مفسران، ضُرّ نمی‌تواند در معنای بیماری جسمی باشد. اول آنکه، برای رفع بیماری در قرآن، از واژه شفا استفاده می‌شود، نه کشف؛ دوم آنکه، ضُرّ به‌طور مطلق توسط خداوند ایجاد و رفع می‌شود؛ درحالی‌که بیماری، گاه توسط خود انسان درست و تولید می‌شود؛ ضُرّ فقط شامل انسان می‌شد، درحالی‌که بیماری به انسان و دیگر جانداران اصابت می‌کند. باتوجه به هم‌نشینی واژه کشف برای آن از سوی خدا، و درنگ در معنای کشف، این واژه با مریضی جسمی و بیماری همخوانی ندارد. در کتب لغت، کشف را رفع و زایل نمودن چیزی که انسان را به‌طور کامل دربرگرفته و پوشانده باشد، دانسته‌اند(ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۹: ۳۰۰) درحالی‌که بیماری، در عموم موارد فراگیر و دربردارنده تمام وجود انسان نیست. کشف ضُرّ با رحمت، دلیل خوبی است که نمی‌تواند بیماری باشد؛ چه اینکه، بیماری گاه خود رحمتی از سوی خداوند بوده و خداوند هرگز

برای رفع آن از رحمت استفاده ننموده است.

باتوجه به قراین فراوان و گرفتاری انسان در ضُرّ، در حالت‌هایی چون دریا، و ماجرای قحطی بنی اسرائیل و مراجعه به حضرت یوسف برای التیام و کاستن درد قحطی و آسیب‌های آن، و نیز باتوجه به ماجرای حضرت ایوب و برگرداندن اهل و مال به ایشان، می‌توان ضُرّ را در معنای فقر شدید مالی و مرگ فرزندان دانست، که این امور فشارهای روانی بسیاری را بر انسان عارض نموده؛ به گونه‌ای که انسان با همه وجود، سختی و تنگنای آن را درک کرده و در تمام حالات برای رفع آن، خدا را می‌خواند. قرآن مکرر مال را نعمت خوانده (نحل: ۱۱۴؛ نمل: ۱۹؛ لقمان: ۲۰؛ دخان: ۲۷) همشینی مال و فرزند با یکدیگر (انفال: ۲۸؛ توبه: ۵۵/۶۹/۸۵؛ کهف: ۳۹؛ مریم: ۷۷) و در معرض ابتلا و آسیب قراردادن آنها از سوی خداوند (انفال: ۲۸؛ اسراء: ۶۴؛ سبأ: ۳۷/۳۵؛ حدید: ۲۰) امری است، که بارها خداوند در قرآن یادآوری شده است. این همشینی و یادکردِ برخوردار از آنها به‌عنوان اصل مورد توجه انسان و خداوند، می‌تواند در معنای آن باشد، که فقدان و نابودی و یا حتی ترس از نابودی آنها سبب اضطراب و تنگی خواهد شد؛ تا آنجا که آدمی حتی برای لحظاتی، به توحید ناب دست یافته و در همه حالات، تنها خداوند را فراخوانده و خداوند نیز این غم فراگیر و چیره‌شده بر وجود انسان را برگشوده و آن را کشف نماید. در این حالت، ضُرّ انسان را به اضطراب و توجه محض سوی خداوند خوانده و خداوند او را اجابت کرده و هرگونه بدی را نیز از او رفع می‌نماید (نمل: ۶۲).

### آیات متضمن واژه ضُرّ

۱. وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يَمْسَسْكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (انعام: ۱۷)
۲. وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنبِهِ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّ كَأَنْ لَمْ يَدْعُنَا إِلَىٰ ضُرِّ مَسَّهُ كَذَلِكِ زَيْنٌ لِّلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (یونس: ۱۲)
۳. فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَيْهِ قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَا الضُّرُّ... (یوسف: ۸۸)
۴. وَ مَا بِكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ ثُمَّ إِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فَأَلَيْهِ تَجَرُّونَ (نحل: ۵۳)

۵. ثُمَّ إِذَا كَشَفَ الضُّرَّ عَنْكُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْكُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ. (نحل: ۵۴)  
۶. قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِهِ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضُّرِّ عَنْكُمْ وَلَا تَحْوِيلًا (الاسراء: ۵۶)  
۷. وَإِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِلَاهُ فَلَمَّا نَجَّكُم إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ وَكَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا (الاسراء: ۶۷)

۸. وَ أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ \* فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرِّهِ وَآتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَذِكْرَى لِلْعَابِدِينَ (انبیاء: ۸۳/۸۴)

۹. وَلَوْ رَحِمْنَاهُمْ وَكَشَفْنَا مَا بِهِمْ مِنْ ضُرِّهِمْ لَلْجُورُ فِي طَعْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ (مؤمنون: ۷۵)

۱۰. وَإِذَا مَسَّ النَّاسَ ضُرٌّ دَعَوْا رَبَّهُمْ مُبِينِينَ إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا أَذَاقَهُمْ مِنْهُ رَحْمَةً إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ (روم: ۳۳)

۱۱. أَلَا اتَّخَذُ مِنْ دُونِهِ آلِهَةً إِنْ يُرِدْنِ الرَّحْمَنُ بِضُرٍّ لَا تُغْنِي عَنِّي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئاً وَلا يُنْقِدُونِ (یس: ۲۳)

۱۲. وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيباً إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِنْهُ نَسِيَ مَا كَانَ يَدْعُوا إِلَيْهِ مِنْ قَبْلُ... (زمر: ۸)

۱۳. .... قُلْ أَلَمْ أَفْرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّهِ أَوْ أَرَادَنِي بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَاتُ رَحْمَتِهِ... (زمر: ۳۸)

۱۴. فَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا خَوَّلْنَاهُ نِعْمَةً مِنَّا قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَى عِلْمٍ بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ... (زمر: ۴۹)

## ۶. کاربرد واژگانی (أذی) در قرآن

در قرآن واژه أذی ۸ بار و فقط در سوره‌های مدنی بقره (۵مورد)، آل عمران (۲مورد) نساء (۱مورد) آمده است. ۳مورد در امور فقهی (بقره: ۲۲۲/۱۹۶؛ نساء: ۱۰۲)، ۳ آیه در امور انفاق و رفتارهای کریمانه (بقره: ۲۶۲/۲۶۳/۲۶۴)، ۲مورد باقی مانده (آل عمران: ۱۱۱/۱۸۶) نیز درباره رفتارهای مشرکان و تأثیر آنان بر روان مسلمانان است. در سه مورد مربوط به امور فقهی، دو مورد با واژه مَرَض و مریض هم‌نشین شده که میان این دو واژه عطف صورت گرفته و نشان از تفاوت ماهوی میان واژگان مَرَض و أذی دارد؛ لذا خداوند با

تحلیل و ارزیابی کاربرد واژگان مرض‌اذی ضرر و سقم در...؛ نریمانی و همکاران | ۲۱۵

حرف عاطفه (أو) میان این دو تفصیل قایل شده‌است. حرف عاطفه أو بیانگر یکسانی در رخداد فعلی میان معطوف و معطوف علیه بوده، اما همزمان ناظر بر تفاوت ماهوی میان معنای معطوف و معطوف علیه است. در ۳ مورد انفاق و صدقه، دو مورد آن با منت همراه شده و البته این همنشینی هم در نوع تقابل معنایی است.

در دو موردی که درباره رفتار مشرکان و تأثیر آن سخن گفته، یک مورد در مقابل قتال و جنگ است (آل عمران: ۱۱)؛ یعنی آنها به شما آسیبی نرسانده و تنها اذی می‌رسانند و اگر مقاتله کنند، فرار می‌کنند. به بیان بهتر، اذی چیزی غیر از ضرر، مقاتله، جنگ و پیامدهای آن است. شاید بتوان گفت اذی خاص‌تر از جنگ بوده و فقط یک بُعد آن را شامل می‌شود. آیه‌ای دیگر نیز با شنیدن اذی از زبان مشرکان و اهل کتاب هم‌نشین شده و بیانگر آن است که اذی نتیجه و حاصل روانی از شنیدن سخن و طعن است. از همین آیه و این همنشینی می‌توان نتیجه گرفت، در موارد مربوط به انفاق چون از اذی بعد از انفاق و صدقه حذر داده و با منت همراه شده، لذا مراد از اذی، آزار و اذیت زبانی است، که حاصل آن ناآرامی و ازدست دادن آرامش است. بنابر مطالب یادشده، اذی، رنجی غیر از بیماری جسمی و پیامدهای آن در هنگام رویارویی با دشمن است؛ لذا اخص از مقاتله و رزم بوده؛ از سوی اهل کتاب و مشرکان به مسلمانان رسیده و قرآن آن را تحقیر و ناچیز برشمرده‌است. برخی مفسران در ذیل آیه ۱۹۶ بقره میان مَرَض و اذی تفاوت قایل شده و اذی را آزارهای حاصل از نیش حشرات دانسته‌اند (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۷۶؛ طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۱: ۳۳۵؛ سید قطب، ۱۴۱۲، ج ۱: ۱۹۵، فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۴: ۹۸)؛ برخی نیز اذی را جراحت یا سردرد گرفته‌اند (مراغی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۹۷). اما این تفسیرها برای واژه اذی نهایتاً برای این آیه کارگشا بوده و نمی‌تواند به دیگر آیات تسری یابد. طوسی و زمخشری، واژه اذی را بدون توجه به معنای لغوی آن و تفکیک آن با ضرر، در ضرر دیدن چیزی تفسیر نموده‌اند (ر.ک؛ طوسی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۱۵؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱: ۳۳۵، طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۳۸۳).

صاحب الفرقان در ذیل آیه ۱۹۶ بقره - که در بردارنده حکم فقهی تحلیق در مراسم

حج است - به تفاوت معنایی اذی و مَرَض و همراهی آنها باهم در آیه، هیچ اشاره‌ای نکرده و هردو را با واژه مَرَض تفسیر نموده (ر.ک؛ صادقی، ۱۴۰۶، ج ۳: ۱۲۹)؛ همو ذیل واژه اذی در آیه ۲۲۲ بقره با اشاره به تفاوت اذی با مَرَض و استناد به آیاتی، بر آن است، که اذی حالتی میان سلامتی و مریضی است؛ اما دیگر به تبیین و چرایی آن نپرداخته است! ایشان اعتزال و دستور به نزدیک نشدن به زنان در ایام حیض را ناظر به حکم روابط زناشویی در آن ایام دانسته که این اذی به شوهر و جنین سرایت نموده و آنها را بیمار می‌نماید (ر.ک؛ صادقی، ۱۴۰۶، ج ۳: ۳۲۸). فضل‌الله به حقیقت و دردهای نشأت‌گرفته از حیض برای زنان و آلودگی آن و حالت‌های جسمی و روانی حاصل از آن، اشاره و تأکید می‌دارد که این حالت، تأثیر منفی ویژه‌ای را برای زن ایجاد نمی‌کند (ر.ک؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۴: ۲۴۸). برخی میان اذی و منت تفاوت قایل شده و اذی را در معنای سخنی که سبب رنجش شود دانسته و در بحث حیض، رنجش از آلودگی و کثافت خون را اذی برشمرده‌اند (ر.ک؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۵: ۹۱؛ ابن‌عاشور، ۱۴۲۰، ج ۲: ۵۱۵؛ مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۱: ۴۱۳). دسته‌ای نیز اذی را همان منت دانسته‌اند (ر.ک؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۲: ۲۵۹). ناگفته پیداست، ذیل آیات گوناگون در تعیین معنای دقیق و حقیقی اذی با یکدیگر، مفسران دچار گونه‌گونی دیدگاه گردیده‌اند؛ به گونه‌ای که، گاه اذی را در معنای آلودگی و نجاست، گاه منت، گاهی زخم زبان و آزار لسانی، زمانی نیش حشره و گاه مترادف ضرر دانسته‌اند. درحالی که، کنار هم قرار گرفتن اذی با منت و ضرر نشان از اختلاف معانی این واژه‌ها با یکدیگر دارد و نمی‌توان با انگاشتگی، آنها را در معنای بیماری، آزار و یا منت تفسیر نمود.

به‌علاوه، اذی در دو آیه درمقابل مَرَض و متفاوت از آن یاد شده است؛ ازاین‌رو، چنانچه مراد از مَرَض - که همان عارضه‌های جسمانی است که سبب ناتوانی در جسم گردیده و آدمی را از تکالیفی چون روزه و تحلیق و... باز می‌دارد - مورد توجه قرار گیرد، یقین حاصل می‌شود که اذی در حوزه رنج و عارضه‌های جسمانی نبوده و ناظر به بُعد روحی و روانی فرد خواهد بود. توجه به آرای لغوی و سیاق آیات می‌تواند در این‌باره



راه گشا باشد. ازسوی دیگر، قدمای اهل لغت، اذی را موج آرام سطح دریا و نیز ماده شتری که درد نداشته اما پیاپی این سو و آن سو را می پوید، معنا کرده اند. این رفتار نشان از تلاطم روانی و نداشتن آرامش روحی است؛ چه اینکه، جملگی بر این باور رفته اند، که دردی متوجه جسم شتر نیست! اینکه، با تمرکز و عنایت بر این معنا، می توان هشت آیه ای را که در آن واژه اذی آمده، بازخوانی نمود.

#### ۶-۱. تحلیل آیات متضمن واژه (اذی) در معنایی جدید

یادکرد خداوند از اذی در کنار مَرَض، در مباحث فقهی تحلیق و نماز خوف، پیام آور آن است، که چنانچه آدمی از جهت روحی و روانی، دچار ناامنی و تشویش گردد، می تواند از احکام جایگزین استفاده نماید. این، درحالی است، که برخی مفسران، اذی را در معنای پشه و مگس در ایام حج تفسیر نموده اند؛ که این تفسیر، با عبارت « اذی من مطر» در نماز خوف، سخت در تعارض است؛ زیرا پشه و مگس در باران و آزار از آنها معنایی ندارد. افزون بر آن، می توان با توجه به همنشینی اذی با مَرَض، این گونه استنباط نمود، که این آزار، به اندازه ای است که همسان مَرَضِ جسمی، انسان را تحت تأثیر قرار داده و صرفاً یک آزار معمولی شمار نمی شود. در آیه مربوط به رفتار مشرکان نیز اذی درمقابل ضرر آمده که این ضرر، ازسوی مشرکان در معنای جنگ و کشتارهای حاصل از آن است (آل-عمران: ۱۱۱). اینکه قرآن وعده می دهد، که گزند جنگ و پیامدهای آن، متوجه شما نخواهد شد؛ می تواند بدین معنا باشد، که تنها روان شما از بابت سخن پراکنی های آنان آزرده می شود، اما جسم تان مصون خواهد ماند. ازسوی دیگر، در آیات مربوط به انفاق نیز از قول معروف درمقابل اذی سخن به میان آمده و اذی با منت - که کلامی سوزناک بوده و اثر ناخوشایند آن بر دل و روان آدمی پدیدار می گردد - همنشین شده که از این همنشینی می توان آزارهای مربوط به جان و روان آدمی را که سبب تلاطم، دگرگونی و اضطراب می شود، نتیجه گرفت؛ پذیرش این ترجمه و تفسیر برای واژه «اذی» آنگاه به صواب

نزدیک‌تر می‌نماید، که آیه ۲۲۲ بقره<sup>۱</sup> ناظر بدان تفسیر گردد. در این آیه که خبر از پرسش اصحاب درباره حیض دارد، خداوند محیض (نه حیض) را به اذی وصف نموده است. محیض و پرسش از آن، به صادر، مصدر، زمان و مکان حیض اختصاص دارد (ر.ک؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۲۰۷؛ صادقی، ۱۴۰۶، ج ۳: ۳۲۸). ناگفته پیداست، در این آیه، ترجمه اذی به آلودگی و نجاست نمی‌تواند صحیح باشد؛ چه اینکه، آلودگی و نجاست این دوران، همه وجود زن را دربر نمی‌گیرد؛ بلکه همچون سایر حدث‌های اکبر و اصغر، عارضه‌ای مقطعی بوده و پس از اتمام دوران آن و پس از طهارت لازم، نجاست به‌طور کامل منتفی می‌شود. از این رو، اگر محیض در این آیه در معنای زن حائض با تمام شرایط آن هنگامش (صادر، مصدر، زمان و مکان حیض) تلقی شود، بهتر است.

بدین قرار، چنانچه ادامه آیه با تکیه بر ترجمه لغوی اذی در نظر گرفته شده و تفسیر شود، افزون بر آشکار شدن جلوه‌های زیبایی از قرآن در باب رحمت و عطوفت بر زنان، وجهی از اعجاز علمی قرآن نیز ثابت می‌گردد؛ به دیگر سخن، از آنجاکه دگرگونی‌های فیزیولوژیکی و هورمونی زنان در این دوره، تشویش و تلاطم روحی را در آنان پدید می‌آورد، خداوند با اشاره به همین موضوع، مردان را به مدارای با زنان توصیه می‌فرماید. این حقیقت قرآنی با دستاوردهای قطعی علمی بشر و تجربیات یقینی زنان در این دوره کاملاً هماهنگ است<sup>۲</sup>. از این رو، خداوند در آغاز فرمان اعتزال از زنان و سپس دوری از

۱. «وَيَسْئَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذًى فَاعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهُرْنَ» بقره: ۲۲۲

۲. اعضای داخل بدن ما به تغییرات هورمونی که در زمان‌های مختلف سیکل قاعدگی رخ می‌دهند، حساس هستند. تغییر در سطح هورمون‌های استروژن و پروژسترون در زمان‌های مختلف سیکل قاعدگی، روی میزان هورمون سروتونین در مغز اثر گذاشته و به عنوان علت سندرم پیش از قاعدگی شناخته می‌شود. اکنون این پرسش مطرح می‌شود که چرا این علائم در همه زنان رخ نمی‌دهند؟ و فقط برخی زنان از سندرم پیش از قاعدگی رنج می‌برند؟ تحقیقات مختلفی که در این زمینه صورت گرفته‌است، حاکی از آن است که این تغییرات هورمونی در بدن تمام زنان یکسان هستند، اما بدن برخی زنان به این تغییرات حساس‌تر می‌باشند و پاسخ شدیدتری نشان می‌دهند؛ و در نتیجه علائم PMS در برخی زنان شدیدتر رخ می‌دهند. علائم سندرم پیش از قاعدگی بسیار متنوع هستند. از جمله شایع‌ترین علائم سندرم پیش از قاعدگی، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: احساس خستگی، تحریک پذیری، خشم و پرخاشگری با خانواده و دوستان، افسردگی، کاهش امید به زندگی و احساس بی‌ارزش بودن، اضطراب، پریشانی و

نزدیکی در این دوره را صادر می‌فرماید. اینک، اشاره به این نکته ضروری به نظر می‌رسد، که میان دو فراز «فَاعْتَرِ لُوا النِّسَاءَ»، «وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ» تفاوت شایانی وجود دارد؛ درحالی‌که، مفسران، هردو را به دوری از مقاربت جنسی تفسیر نموده‌اند (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۶۲؛ طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۲۰۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۱۳۷؛ صادقی، ۴۰۶: ج ۳: ۳۲۸؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۲: ۲۲۵؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰: ج ۲: ۳۴۸؛ سید قطب، ۱۴۱۲، ج ۱: ۲۴۲)؛ حال آنکه، به نظر می‌رسد، این تفسیر، با ظاهر آیه و تکرار بی‌دلیل آن هماهنگ نباشد! چه اینکه، اعتزال و عزل در زبان عربی به معنای در گوشه‌ای ماندن و کناره‌گیری نمودن از جمع است<sup>۱</sup>. (ر.ک؛ ازهری، ۴۲۱، ج ۲: ۸۰؛ فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۳۵۳). براین اساس، روشن می‌شود، که اعتزال، دوری از جمع افراد است؛ لذا قرآن، هرگز آن را در معنای روابط زناشویی به کار نگرفته است. کاربرد معنای دوری از اجتماع و کناره‌گیری در همه نه موردی که غیر از این آیه در قرآن استفاده شده<sup>۲</sup>، گواه درستی این مدعاست. براین اساس، می‌توان فراز اول «فَاعْتَرِ لُوا النِّسَاءَ» را - که به اعتزال از زنان در دوران حیض به سبب تلاطم و تشویش روانی (أذی) دستور داده - در معنای درک آنها، رها نمودن‌شان و دوری از وارد نمودن فشارهای مسئولیتی و... و فراز دوم «وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ» را در دستور به عدم جماع و مقاربت جنسی با ایشان قلمداد کرد.

---

فشار روانی، تمایل به گریه کردن، بی‌علاقگی نسبت به فعالیت‌های روزانه، اختلال تمرکز، احساس خستگی، ضعف، بی‌حالی و کاهش انرژی. (Pharmacological and therapeutic effects of Vitex agnus-castus).  
Pharmacognosy Reviews ۱۷\_۲۲/phrev.phrev\_۱۰,۴۱۰۳ DOI:۲۰۱۸L.: A review January (۱۲).

۱. اعزَلْ عَنكَ مَا يَشِينُكَ أَيْ نَحَّ عَنكَ. وَ كُنْتُ بِمَعزَلٍ مِّنْ كَذَا وَ كَذَا أَيْ كُنْتُ بِمَوْضِعٍ عُزِّلْتُ مِنْهُ وَ كُنْتُ فِي نَاحِيَةٍ مِنْهُ. وَ اعْتَزَلْتُ الْقَوْمَ أَيْ فَارَقْتَهُمْ وَ تَنَحَّيْتُ عَنْهُمْ.

۲. برای نمونه بنگرید آیه ۹۰ نساء که صراحت کامل در دوری از جنگ و تقابل دارد. «إِلَّا الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَى قَوْمِ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ أَوْ جَاؤُكُمْ حَضِرَتْ صُدُورُهُمْ أَنْ يُقَاتِلُوكُمْ أَوْ يُقَاتِلُوا قَوْمَهُمْ وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَسَلَطْنَاهُمْ عَلَيْكُمْ فَلَقَاتَلُوكُمْ فَإِنِ اعْتَزَلُوكُمْ فَلَمْ يُقَاتِلُوكُمْ وَ الْفُؤَاءُ إِلَيْكُمْ السَّلَمَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا».

## آیات متضمن واژه اذی

۱. ... فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ (بقره: ۱۹۶)
۲. وَ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذًى فَاعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهُرْنَ (بقره: ۲۲۲)
۳. الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتْبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أَذًى لَهُمْ ... (بقره: ۲۶۲)
۴. قَوْلٌ مَعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِنْ صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا أَذًى وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ (بقره: ۲۶۳)
۵. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى ... (بقره: ۲۶۴)
۶. لَنْ يَضُرُّكُمْ إِلَّا أَذًى وَإِنْ يُقَاتِلُواكُمْ يُوَلُّوكُمْ الْأُدْبَارَ ثُمَّ لَا يَنْصَرُونَ (آل عمران: ۱۱۱)
۷. لَتَبْلُوَنَّ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَ لَتَسْمَعَنَّ مِنَ الَّذِينَ آوَتْوَا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَ مِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذًى كَثِيرًا ... (آل عمران: ۱۸۶)
۸. ... لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ كَانَ بِكُمْ أَذًى مِنْ مَطَرٍ أَوْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَنْ تَضَعُوا أَسْلِحَتَكُمْ وَ خُذُوا حِذْرَكُمْ إِنْ اللَّهُ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا (نساء: ۱۰۲)

## ۷. کاربرد واژگانی (سقیم) در قرآن

در قرآن، واژه سقیم تنها دو بار آن هم در یک سوره و در خصوص داستان دو تن از انبیای الهی (حضرت ابراهیم و یونس علیهم السلام) مطرح شده است. کشف معنای حقیقی سقیم می تواند به خوبی در زدودن شبهه معروف دروغگویی حضرت ابراهیم علیه السلام که از مسلمات اسرائیلی است، راه گشا باشد. مفسران ذیل واژه سقیم، نظریات گوناگونی ارائه نموده و از این رهگذر تلاش کرده اند، بر شبهه دروغگویی حضرت ابراهیم خط بطلان بکشند (ر.ک؛ طوسی، ۱۳۶۵: ج ۸ ص ۵۱۰). صادقی در ذیل آیه ۸۹ صفات، سقیم را همان بیماری جسمی دانسته و با تکیه بر روایات می گوید: این بیان ابراهیم علیه السلام از روی تقیه و توریه بوده است (ر.ک؛ صادقی، ۱۴۰۶: ج ۲۵، ۱۷۲). مکارم شیرازی ابراهیم علیه السلام را واقعاً بیمار دانسته و احتمال توریه و تقیه را رد نموده است (ر.ک؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۱۹ ص ۹۲)؛ هر چند،

تحلیل و ارزیابی کاربرست وازگان مرض. اذی ضررو سقم در...؛ نریمانی و همکاران | ۲۲۱

ایشان بیماری حضرت ابراهیم علیه السلام را بر خلاف باور افکار عمومی، روحی و در اثر شرک و گناه قوم خویش تلقی نموده است (ر.ک؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۱۹ ص ۹۲). علامه معتقد است ابراهیم علیه السلام با نگاه کردن به ستارگان مریضی خود را در آینده پیش‌بینی کرد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۷ ص ۱۴۸). ابن عاشور سقیم را صفت مشبهه در معنای مریض گرفته (ر.ک؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰: ج ۲۳ ص ۵۶). سید قطب نیز ضمن تاکید بر عدم دروغگویی ابراهیم علیه السلام، حضرتش را گرفتار ضیق صدر و رنج ناشی از رفتار مشرکان معرفی نموده که نهایتاً به بیماری جسمی ایشان منتهی گردید (ر.ک؛ سید قطب، ۱۴۱۲، ج ۵: ۲۹۹۳).

#### ۱-۷. تحلیل آیات متضمن واژه (سقم) در معنایی جدید

براساس گفته لغت‌شناسان و بنابر مطالب پیش گفته، می‌توان برای سقیم به جای کاربرست معنای بیماری جسمی و روحی، متردد و شک‌دار در نظر گرفت. چه اینکه، قدمای اهل لغت، سقیم را فردی دانسته‌اند، که هر روز از درد چیزی شکوه و گلایه داشته و نارضایتی و ناآرامی در او پدیدار گشته (اندلسی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۴۸۰) همچنین، این واژه نام درختی اعلام شده، که در ظاهر مانند درخت انجیر نرم و شیرین به نظر می‌رسد، اما حقیقت آن، تلخ و مانند سنگ سفت می‌باشد (ر.ک؛ ابن درید، ۱۴۰۷، ج ۲: ۸۵۱ ازهری، ۱۴۲۱، ج ۸: ۳۲۲؛ جوهری، ۱۹۸۴، ج ۵: ۱۹۴۹)؛ نیز، سقیم را بیابانی یاد کرده‌اند، که دهشت‌زاست (ر.ک؛ ابن درید، ۱۴۰۷، ج ۲: ۸۵۱ ازهری، ۱۴۲۱، ج ۸: ۳۲۲؛ جوهری، ۱۹۸۴، ج ۵: ۱۹۴۹). همراه ساختن مکان با وصف سقیم در معنای ترسناک نیز در جای خود شایان توجه است. از آنچه ارباب لغت درباره این واژه بیان داشته و با توجه به آحاد معنایی گفته شده برای آن، می‌توان برداشت نمود، سقیم به فردی اطلاق می‌شود، که به سبب ترس از امری دچار تشویش، گله، اعتراض و شکایت شده است؛ بدیهی است، این تشویش و نگرانی، عارضه-ای غیر جسمی است که به حوزه روح و روان پیوند می‌خورد. لذا اگر این ترجمه و معنا برای دو آیه مورد نظر، ملاحظه گردد، شبهه دروغ‌گویی حضرت ابراهیم علیه السلام باطل شده و معنا و تفسیر آیه بدین گونه خواهد شد که: حضرت ابراهیم علیه السلام پیش از این با نگاه کردن به

ستارگان، خورشید و ماه، حقانیت و شایستگی پرستش آنها را به چالش کشانده بود(انعام: ۷۶-۷۸). این بار نیز به ستارگان نظری گذرا و از روی بی‌اعتمادی افکند و به آنها که از او دعوت نموده بودند تا در این ضیافت شرکت نماید، اعلام نمود که من درباره پرستش ستارگان و اصل موضوع جشن شما در اضطراب و تشویش و تردید هستم و پیش از این نسبت بدان گله و اعتراض خود را نشان داده‌ام(ر.ک؛ مغنیه، ۱۴۲۴، ج: ۶: ۳۴۷) حال چگونگی در مراسم مشرکانه شما شرکت کنم. از این رو، مخاطبان حضرت ابراهیم علیه السلام از او دست کشیده و دیگر به ایشان اعتراض نمودند و به جشن خود رهسپار شدند.

آیه ۶۰ سوره انبیاء صحت این ادعا را ثابت می‌نماید؛ آنجا که پس از شکسته شدن بت‌ها و مواجهه قوم با آنها از عامل این بت شکنی پرسش می‌نمایند، بیان و لحن قوم گویای آن است که ابراهیم علیه السلام تا قبل از این به‌طور آشکار و صریح برائت و بیزاری خود را از بت‌ها اعلام ننموده و شهرت کاملی کسب ننموده بود. ترکیب *سَمِعْنَا (شنیدیم)*، *فَتَى*، *يُقَالُ لَهُ*، همگی مؤید این سخن است.

درباره حضرت یونس نیز به‌هنگام رهایی از شکم نهنگ با توجه به همنشین شدن واژه *سَقِيم* با «الْعَرَاءِ» در معنای بیابان و مطالب پیش گفته، می‌توان به‌جای بیماری، از مضطرب و متردد استفاده نمود، که با اصل موضوع همراهی بیشتری دارد. زیرا یونس در بیابانی افکنده شده که برحسب طبیعت آن، از آب گوارا، غذای مناسب و افراد انسانی خبری نیست و همین موارد سبب تشویش و حتی زمینه گله و اضطراب ایشان را فراهم نموده است. از این رو، خداوند در ادامه برای رفع این تشویش و نگرانی بشارت می‌دهد که ما در کنار او و برایش، خوردنی از درخت کدو رویانیدیم و ایشان را بر امتی که بیش از صد هزار نفر جمعیت داشته برانگیختیم. (وَ أَنْبَتْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِنْ يَقْطِينٍ \* وَأَرْسَلْنَاهُ إِلَى مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ)(صافات ۱۴۷-۱۴۶). پس *سَقِيم* در معنای متردد، شاک و گله‌مند و ناظر بر نوعی احساس ناخوشایند روحی و درونی بوده و هرگز نمی‌تواند در معنای مَرَض و مریض جسمی باشد. از این جهت نه ابراهیم علیه السلام دروغ گفت و نه یونس علیه السلام دچار عارضه بیماری روحی و روانی گشته و تمام آن اذکار بی‌بدیل را از سر صدق، سلامت نفس و قلب ایراد

نموده‌اند.

### آیات متضمن واژه سقیم

فَنظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ (صافات: ۸۸/۸۹)

فَبَدَّنَاهُ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ سَقِيمٌ (صافات: ۱۴۵)

### بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه آمد نتایج این پژوهش به شرح ذیل است:

الف. ارباب لغت در تحلیل معنایی واژگان چهارگانه در حوزه بیماری در قرآن، گاه دچار تناقض و دور گشته و جملگی را در معنای بیماری دانسته‌اند. اما در همان منابع با کمک از وجه تسمیه و نمونه‌های کاربردی این واژگان می‌توان از آنها در فهم آیات مدد جست.

ب. براساس تحلیل‌های لغوی و تفسیری مریض ناظر بر عارضه‌ای جسمی بوده و سه واژه دیگر (أذی، سقیم، ضُرُّ) ناظر بر آسیب‌های متفاوت در حوزه روح و روان بوده که آنها هم با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند.

ج. مرض در قرآن جز در مواردی که با قلب همنشین شده بیشتر در امور فقهی کاربرد داشته و در معنای بیماری سخت جسمی بوده که خود سبب رفع تکالیفی می‌شود.  
د. ضُرُّ در قرآن به معنای بیماری‌های جسمی و روحی و واگیردار نیست، که برخی به حضرت ایوب نسبت داده و دیگران در مقام دفاع از آن برآمده‌اند. بلکه در همه آیات، ضُرُّ در معنای فقر و تنگدستی شدید مانند قحطی و مرگ فرزندان است.

هـ. براساس بررسی‌های صورت گرفته اذی در معنای رنج و پلیدی و بیماری نیست؛ بلکه در معنای آزرده‌گی خاطر بوده و در نهایت تشویش و از دست دادن آرامش را سبب خواهد شد؛ از این رو، رعایت حال زنان در ایام خاص جهت فرصت بازپروری روح و روان‌شان توصیه شده‌است.

و. سقیم نیز نه در معنای بیماری که به معنای متردد و مشکوک است؛ با این تفسیر،

۲۲۴ | فصلنامه علمی پژوهشنامه معارف قرآنی | سال سیزدهم | شماره ۵۰ | پاییز ۱۴۰۱

شبهه دروغ‌گویی حضرت ابراهیم علیه السلام هم منتفی می‌گردد.

**ORCID**


Zohra Narimani

Mehdi Abdollahipour

Mahbube Moosaipour

 <http://orcid.org/0000-0001-9757-7225>

 <http://orcid.org/0000-0002-3315-6269>

 <http://orcid.org/>





## منابع

- قرآن کریم. ترجمه مکارم شیرازی.
- آلوسی، محمود بن عبدالله. (۱۴۱۵). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*. ج ۷. چاپ اول. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- اندلسی، ابن سیده. (۱۴۱۰). *الافصاح فی فقه اللغه*. ج ۱. چاپ اول. قم: مکتب الإعلام الاسلامی.
- ابن درید، محمد بن حسن. (۱۴۰۷). *جمهره اللغه*. ج ۲. چاپ اول. بیروت: دارالعلم للملایین.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر. (۱۴۲۰). *التحریر و التنویر*. ج ۲. چاپ اول. بیروت: موسسه التاریخ العربی.
- ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴). *معجم مقاییس اللغه*. مصحح: محمد عبدالسلام. ج ۱. چاپ اول. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مكرم. (۱۴۱۴). *لسان العرب*. ج ۱۴. چاپ سوم. بیروت: دار صادر.
- ازهری، محمد بن احمد. (۱۴۲۱). *تهذیب اللغه*. ج ۱۵. چاپ دوم. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- ثعلبی، احمد بن محمد. (۱۴۲۲). *الکشف و البیان المعروف تفسیر الثعلبی*. ج ۲. چاپ اول. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- سید بن قطب، ابن ابراهیم شاذلی. (۱۴۱۲). *فی ظلال القرآن*. ج ۲. چاپ اول. بیروت-قاهره. دارالشروق.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۹۸۴). *تاج اللغه و صحاح العربیه*. ج ۱۹. چاپ سوم. بیروت: دارالعلم للملایین.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۳۸۳). *ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن با تفسیر لغوی و ادبی قرآن*. ج ۱. چاپ اول. تهران: المکتبه المرتضویه لإحياء آثار الجعفریه.
- زبیدی، محمد مرتضی. (۱۴۱۴). *تاج العروس من جواهر القاموس*. ج ۲. چاپ اول. بیروت: دارالفکر.
- زرسازان، عاطفه، زینب قوام، شادی نفیسی؛ (۱۴۰۰) معنانشناسی "ضُرُّ" در قرآن کریم با تأکید بر روابط همنشینی و جانشینی، پژوهش‌های زبان شناختی قرآن سال دهم، شماره ۱ (پیاپی ۱۹).

زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۰۷). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی*

- وجوه التأویل. ج ۱. چاپ اول. بیروت: دارالکتاب العربی.
- صادقی تهرانی، محمد. (۱۴۰۶). الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه. ج ۱۹. چاپ اول. قم: فرهنگ اسلامی.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان. ج ۹. چاپ پنجم. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرانی، سلیمان بن احمد. (۲۰۰۸). التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم. ج ۱. چاپ اول. اردن: دارالکتاب الثقافی.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. ج ۲. بی جا. تهران: ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲). جامع البیان فی تفسیر القرآن. ج ۱۷. چاپ اول. بیروت: دارالمعرفه.
- طریحی، فخرالدین. (۱۳۷۶). مجمع البحرین. ج ۴. چاپ سوم. تهران: انتشارات مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۶۵). تهذیب الاحکام. ج ۷. چاپ چهارم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- عسکری، ابوهلال. (بی تا). معجم الفروق اللغویه. حقیقه: محمد ابراهیم. بی جا. قاهره. دار العلم و الثقافه.
- علم الهدی، علی بن الحسین. (۱۴۳۱). تفسیر الشریف المرتضی المسمى بنفائس التأویل. ج ۱. چاپ اول. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوع.
- فراهیدی، خلیل بن أحمد. (۱۴۰۹). کتاب العین. تحقیق: مهدی مخزومی. ج ۸. چاپ اول. بیروت: دار و مکتبه الهلال.
- فضل الله، محمدحسین. (۱۴۱۹ق)، من وحی القرآن. ج ۱۵. چاپ اول. بیروت: دارالملاک.
- مراغی، احمد مصطفی. (۱۳۷۱). تفسیر المراغی. ج ۱. چاپ اول. بیروت: دارالفکر.
- مصطفوی، حسن. (۱۴۱۶). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. ج ۱. چاپ اول. تهران: وزارت ارشاد.
- مغنیه، محمد جواد. (۱۴۲۴). الکاشف. ج ۵. چاپ اول. قم: دارالکتاب الاسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱). تفسیر نمونه. ج ۱۰. چاپ دهم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

### References [in Persian]

The Holy Quran

- Alousi, Mahmoud Ibn Abdullah. (1994) *The spirit of meanings in Tafsir al-Qur'an al-Azeem and Al-Saba al-Mathani*. V7. First Edition. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiya. [in Arabi]
- Andolusi, Ibn Sayyede. (1989). *Disclosure in Fiqh al-Lagheh*. V1. First Edition. Qom: School of Islamic Media. [in Persian]
- Azhari, Muhammad Ibn Ahmad. (2000). *Refinement of vocabulary*. V15. Second edition. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [in Persian]
- Askari, Abu Hilal. (Unknown Time). *Al-Furooq Al-Lughaviyah dictionary*. Researcher: Muhammad Ibrahim. Unknown Edition. Cairo. Dar al-Ilm and al-Thaqafa.
- Alam al-Hudi, Ali Ibn al-Hussein. (2009). *Tafsir al-Sharif al-Mortaza Is named Nafais al-Tawil*. V1. First Edition. Beirut: Al-Alami Foundation for publishing.
- Farahidi, Khalil Ibn Ahmad. (1988). *Kitab al-Ain Researcher: Mahdi Makhzoumi*. V8. First Edition. Beirut: Al-Hilal Dar and Maktaba.
- Fazl Allah, Muhammad Hossein. (1998), *Men Wahi al-Qur'an*. V15. First Edition. Beirut: Dar Al Melak.
- Ibn Dorayd, Muhammad Ibn Hasan. (1986). *Jumhara al-Logha*. V2. First Edition. Beirut: Dar al-Ilm Le-al-malaein.
- Ibn Ashur, Muhammad Ibn Tahir. (1999). *Al-Tahrir and al-Tanvir*. V2. First Edition. Beirut: Institute of al-Tarikh al-Arabi.
- Ibn-Fares, Ahmad. (1983). *Dictionary of comparisons*. Proofreader: Muhammad Abd-al-salam. V1. First Edition. Qom: Al-alam Islamic School. [in Persian]
- Ibn Manzoor, Muhammad Ibn Mukram. (1993). *Arabic language*. V14. Third edition. Beirut: Dar Sader.
- Jouhari, Ismail Ibn Hammad. (1984). *Taj al-Logha and Sahah al-Arabiya*. V19. Third edition. Beirut: Dar al-Ilm Le-al-malaein.
- Maraghi, Ahmad Mustafa. (1992). *Tafsir al-Maraghi*. V1. First Edition. Beirut: Dar al-Fekr.
- Mustafavi, Hassan. (1995). *Researching the words of the Holy Qur'an*. V1. First Edition. Tehran: Ministry of Guidance. [in Persian]
- Mughniyah, Muhammad Javad. (2003). *Al-Kashif*. V5. First Edition. Qom: Dar al-Kitab al-Islami. [in Persian]
- Makarem Shirazi, Nasser. (1992). *Sample interpretation*. V10. Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya. [in Persian]
- Ragheb Esfahani, Hossein Ibn Muhammad. (2004). *Translation and investigation of the vocabulary of the words of the Qur'an with the literal and literary interpretation of the Qur'an*. V1. First Edition. Tehran: Al-Maktabah al-Mortazawyyah for the revival of Al-Jaafari's

- works. [in Persian]
- Seyyed Ibn Qutb, Ibn Ebrahim Shazli. (1991). *In the shadows of the Qur'an*. V2. First Edition. Beirut-Cairo Dar al-Shoroq.
- Sadeghi Tehrani, Muhammad. (1985). *Al-Furqan in the interpretation of the Qur'an with the Qur'an and the Sunnah*. V19. First Edition. Qom: Islamic culture. [in Persian]
- Tabatabayi, Muhammad Hossein. (1995). *Translation of Tafsir al-Mizan*. V9. Fifth Edition. Qom: Society of Qom Theological Seminary: Islamic Publications Office. [in Persian]
- Tabarani, Suleiman Ibn Ahmad. (2008). *Al-Tafsir al-Kabir: Tafsir al-Qur'an al-Azeem*. V1. First Edition. Jordan: Dar al-Kitab al-Thaqafi. [in Persian]
- Tabarsi, Fazl Ibn Hasan. (1993). *Majma al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. V2. Unknown Edition. Tehran: Nasser Khosrow. [in Persian]
- Tabari, Mohammad Ibn Jarir. (1991). *Jami al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. C17. First Edition. Beirut: Dar al-Marafa.
- Turayhi, Fakh al-din. (1997). *Majma al-Bahrain*. V4. Third edition. Tehran: Mortazavi Publications. [in Persian]
- Tusi, Muhammad Ibn Hasan. (1986). *Refinement Of al-Ahkam*. V7. Fourth edition. Tehran: Dar al Kitab al-Islamiya. [in Persian]
- Thalabi, Ahmad Ibn Muhammad. (2001). *The well-known revelation and explanation of Tafsir al-Thalabi*. V2. First Edition. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Zubaydi, Muhammad Murtaza. (1993). *Taj al-Arus Men Jawaher al-Qamoos*. V2. First Edition. Beirut: Dar al-Fekr.
- Zamakhshari, Mahmoud Ibn Omar. (1986). *Exploring the mysterious facts of the download and the eyes of the proverbs in the aspects of interpretation*. V1. First Edition. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi.

استناد به این مقاله: نریمانی، زهره، عبداللهی پور، مهدی، موسائی پور، محبوبه. (۱۴۰۱). تحلیل و ارزیابی کاربریست واژگان مرض. اذی ضررو سقم در قرآن با تکیه بر تفسیر قرآن به قران، فصلنامه علمی پژوهشنامه معارف قرآنی، ۳(۵۰)، ۲۰۱-۲۲۸.

DOI: 10.22054/rjqk.2022.68830.2648



Quranic Knowledge Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.